

در همان حال که اروپا می‌کوشد تا با قوانین سرکوب‌گرانه و قضاوت سریع، متقاضیان پناهجویی را به خویش راه ندهد، در عین حال، مافیای نوینی ایجاد کرده است که به تجارت انسان مشغول است. از آن گذشته جرم‌های تازه‌ای ابداع شده و ائتلاف منابع انسانی از زمان تجارت برده به این سو، سابقه نداشته است. به گوشه‌هایی از این‌گویی تازه خواهیم پرداخت.

تجارت انسان

همسان سازی کنترل مهاجران و پناهجویان در اروپای غربی، مرزها را به شدت نظامی کرده و به صورت مناطق امنیتی - جنگی درآورده است. مرزهای شرقی آلمان، برای نمونه، در رشته‌گاردی

برای مجامع بزه‌کار و جنایت‌کار - برای مثال مافیا - ایجاد نموده تا تجارت انسان را به تجارت مواد مخدر بیافزایند. بر اساس برآورد مرکز بین‌المللی تدوین سیاست مهاجرت در وین، سندیکا‌های بزه‌کار در ۱۹۹۳ از قاچاق انسان بین صدمیلیون تا یک‌میلیارد دلار درآمد داشته‌اند.^(۱) یک حرکت موفقیت‌آمیز پلیس آلمان بر علیه سندیکا‌های بزه‌کار در ۱۹۹۶ نشان داد که مهاجران لبنانی و افغانی پانزده‌هزار مارک برای هر نفر و یا پنجاه‌هزار مارک برای یک خانواده به این سندیکاها پرداختند تا آن‌ها را به آلمان به طور قاچاق وارد کنند.^(۲) یک شبکه‌ی بزه‌کار که در اطریش به قاچاق مواد مخدر و فروش اسلحه مبادرت می‌کند، از حدوداً پنج‌هزار مهاجر، نفری صد هزار شیلینگ گرفت تا آنان را به

اروپایی، هشت‌هزار دلار پرداختند ولی وقتی به هاسلت [Hasselt] در ایالت لیمبرگ [Limburg] رسیدند، آن‌ها را به مافیای ایتالیا سپردند که کار به صورت برده در سرتاسر اروپا پراکنده شد. در ایتالیا، بر اساس گزارش D/A، مافیای بین‌المللی برای قاچاق انسان، نرخ‌های زیر را مطالبه می‌کند: از آلبانی: یک‌میلیون لیر از روسیه و دیگر کشورهای شوروی سابق: سه‌میلیون لیر

آسیا، افریقا و آمریکای جنوبی هفت‌میلیون تا ده‌میلیون لیر.^(۷) حقوق‌دان ایتالیایی در بولزانو (Bolzano) که شبکه‌های قاچاق مهاجران را در ۱۹۹۵ بررسی کرده است، برآورد نمود که در فاصله‌ی دو سال از

تجارت انسان

لیز فکت - فرانسیس وبر

ترجمه‌ی: احمد سیف



● کمیسر جامعه‌ی اروپا در امور مهاجرت، آنتیا گرادین در یک کنفرانس مربوط به تجارت زنان در ۱۹۹۶ گفت که پانصد هزار زن که به وسیله‌ی تاجران بین‌المللی و سندیکا‌های تبه‌کاری به اروپا قاچاق شده‌اند، به طور غیر قانونی زندگی می‌کنند.



قاچاق بیست‌هزار تن، مافیا حدوداً هفت‌میلیارد دلار درآمد داشته است.^(۸)

در روز کریسمس ۱۹۹۶، بالاخره توجه بین‌المللی به آن‌جه که قاچاقچی‌ها می‌کنند، معطوف شد. برآورد می‌شود که ۲۸۰ تن مهاجر، در حال انتقال از کشتی ییوهن [Yiohan]، که در لیست سیاه است، به یک کشتی دیگر بین مالتا و سسیل در دریا غرق شدند. هشتاد و هشت پاکستانی، یک‌صد و چهل و نه سیلانی و هم‌چنین دویست و بیست و هفت هندی که عمدتاً زارع بودند، هر کدام نفری هشت‌هزار دلار پرداخته بودند تا با عبور از مصر، قبرس و ترکیه به اروپا برسند.^(۹)

در طول مسافرت به اروپا، وضعیت پناهجویان و مهاجران بسیار ناگوار است. محموله‌ی انسانی

اطریش برساند. کسانی که کل مبلغ را نپرداخته بودند، یا به ورود در قاچاق انسان وادار شدند و یا مجبور گشتند تا در کارهای ساختمانی و هتل‌ها برای بازپرداخت بدهی کار کنند.^(۳) در اسپانیا، یک سندیکای بزه‌کار چینی که با شبکه‌های قاچاق اروپایی در ارتباط است، از هر چینی بین یک تا دو میلیون پزو تا گرفت تا آن‌ها را از طریق اروپای شرقی و شمال افریقا به اسپانیا برساند.^(۴) تمیل‌ها برای این‌که از طریق فنلاند به سوئد قاچاق شوند، نفری سه‌هزار دلار پرداختند.^(۵) وارسای پلیس در ۱۹۹۶ در بلژیک نشان داد که یک شبکه‌ی قاچاق در طول پنج سال، چهار هزار مرد فیلیپینی را به اروپا وارد کرده است. آن‌ها هر کدام برای بلیط قطار و یک ویزای توریستی دو هفته‌ای برای چند کشور

مرزی دارند که به سگ، قایق‌های گشتی، هلی‌کوپتر، رادار، دستگاه‌های حرارت‌سنج و دوربین‌های اشعه قرمز مجهزند. در تحت فشار آلمان، لهستان گاردهای مرزی‌اش را با رادار، هلی‌کوپتر و پاینده‌های اکسید دو کربن که نشان می‌دهد آیا کامیون‌های بارکش در میان بارها پناهجو هم دارند یا نه - (آخرین شیوه‌ی قاچاق انسان استفاده از کامیون‌های بارکش است) - تجهیز کرده است.

در حالی که سربازان نیروی دریایی مرزهای دریایی اسپانیا را کنترل می‌کنند، سیم‌خاردار برقی، تلویزیون مدار بسته، و دستگاه‌های الکترونیکی دیگر، مرزهای اسپانیا یا شمال افریقا در سیوتا (Ceuta) و ملیا (Melilla) را می‌پایند.

ایجاد مرزهای غیرقابل نفوذ، امکانات تازه‌ای

کشتی یوهن، برای مثال، در مخازنی جا گرفتند که در گذشته به صورت یخچال مورد استفاده قرار داشت و ماهی را در آن قرار می دادند. غذای روزانه شان، نصف Roti و نصف فنجان آب بود.^(۱۰) در مورد دیگر، اعضای یک شبکه‌ی مخفی فاجاییان ایتالیایی به زنان جوان در چین نقل و انتقال تجاوز کردند.^(۱۱) بسیاری از کسانی که قاچاق می شوند به محض رسیدن به مقصد به حال خود راه می شوند و حتا بعضی وقتها، چند صد یارد مانده به ساحل با تهدید تفنگ به وسیله‌ی کاپیتان کشتی آن‌ها را به دریا می افکنند. در ۱۹۹۵، یک مراکشی که شنا بلد نبود ولی در دویست متری ساحل اسپانیا به دریا افکنده شد، در دریا غرق شد.^(۱۲)

به شکل‌های گوناگون در راه رسیدن به آلمان از بین رفتند. بعضی‌ها مثل یک زن سی و پنج ساله سیلانی که از سوی قاچاقچیان حرفه‌ای به امان سرنوشت رها شد، در دسامبر ۱۹۹۶ از سرما یخ زد و جان سپرد.^(۱۳) دیگران شامل هیجده پناهجوی تمیلی هستند که در یک کانتینر که درجه‌ی حرارتش سی و پنج درجه بود در شهر گیور Győr در مجارستان خفه شدند. راننده بیش از دو روز بدون این‌که به پناهجویان آب و غذا بدهد، کامیون را پارک کرد. اجساد موقعی پیدا شدند که ساکنین محل از زیادی مگس در نزدیکی کانتینر و بوی تعفن برآمده از آن شکایت کردند.^(۱۴) روی یک کشتی تفریحی سیزده متری که برای قاچاق بیست سیلانی به ایتالیا مورد استفاده قرار

مخفی شدن در جایگاه چرخ‌ها در بدنه‌ی هواپیما به سلامت به انگلستان بروند. این دو برادر نه فقط به سلامت نرسیدند، بل‌که در اثر فشار چرخ‌ها به شدت آسیب دیدند. یکی از این دو، ویجی، که نوزده ساله بود از سرما یخ زد، و جنازه‌اش، وقتی هواپیما به لندن نزدیک می شد، از چرخ‌ها آویزان گشت. آن دیگری، پردیپ سینو، به طرز معجزه‌آسایی زنده ماند. باربران هواپیمایی او را در حالی که از سرما می لرزید روی باند فرودگاه پیدا کردند. سرمای منهای شصت درجه را تحمل کرد و در معرض بادهایی قرار گرفت که از طوفان شش برابر قویتر بود. با این وصف، وزارت کشور انگلستان نظر داد که او باید از کشور اخراج شود.^(۱۵) برای دوستان و اعضای خانواده‌های [مقیم

• همسان سازی کنترل مهاجران و پناهجویان در اروپای غربی، مرزها را به شدت نظامی کرده و به صورت مناطق امنیتی - جنگی درآورده است. مرزهای شرقی آلمان، برای نمونه، دو رشته گاردهای مرزی دارند که به سگ، قایق‌های گشتی، هلی‌کوپتر، رادار، دستگاه‌های حرارت سنج و دوربین‌های اشعه قرمز مجهزند.



• زنان را از افریقا، امریکا لاتین و به‌طور روزافزونی از اروپای شرقی با وعده‌ی اجاره‌ی کار و مشاغل پر درآمد، مثل رقاصی و کار در رستوران، به غرب می آورند ولی به بردگی می فروشند. وقتی به اروپا می رسند، پاسپورت‌شان را ضبط می کنند و بعد برای پرداخت بدهی‌های متورم شده برای غذا، مسکن، و مسافرت زنان را مجبور می کنند که روزی دوازده ساعت به صورت یک فاحشه کار کنند.

• مادام که جهانی شدن بازارگرایی، امرار معاش تولیدکنندگان جهان سوم را مختل می کند و فروش اسلحه‌ی غربی موجب تشدید سرکوب می شود، مردم می کوشند فرار کنند.



پرداخت همه‌ی پس انداز زندگی، رسیدن به مقصد را تضمین نمی کند. گروه‌های ضد نژادپرستی نشان دادند که در ۱۹۹۶، حسداقل سیصدوپنجاههشت نفر در چین قاچاق شدند به اروپا کشته شدند. این رقم، دویستوهشتاد تن از قربانیان کشتی یوهن را نیز در برمی گیرد که به زور آن‌ها را سوار یک کشتی دیگر کردند که هم آب به درون آن نشت می کرد و هم گنجایش آن یک سوم این تعداد بود.^(۱۳) نعلش شمال افریقای‌هایی که قرار بود به وسیله‌ی مافیا از گذرگاه جبل الطارق در درون قایق‌های نامطلوب عبور داده شوند، به کرات در سواحل ایتالیا پیدا می شود. بر مبنای برآورد موسسه‌ی ضد نژادپرستی در برلین، در طول ژانویه‌ی ۱۹۹۳ تا ژانویه‌ی ۱۹۹۷، هفتاد تن پناهجو

گرفت، فقط یک قایق نجات وجود داشت، وقتی کشتی به خطر افتاد، قاچاقچی ایتالیایی با استفاده از قایق نجات فرار کرد. شش تن از سیلانی‌ها مفقود شدند، به احتمال زیاد کشته شدند، و بقیه پس از گذراندن پانزده ساعت بر روی یک تخته پاره نجات یافتند ولی بلافاصله دستور اخراج‌شان صادر شد.^(۱۴) در ۲۸ مارس ۱۹۹۶، در نتیجه‌ی برخورد یک کشتی آلبانیایی مملو از پناهجویان با یک قایق گشتی نیروی دریایی ایتالیا، صد پناهجو کشته شدند. پس از این‌که دولت اعلان یک حالت فوق العاده کرد، نیروی دریایی برای محافظت از گذرگاه اترانتو به این منطقه آمده بود.^(۱۵)

در یک مورد تازه، یک قاچاقچی انسان در دهلی به دو برادر پناهجو گفت که آن‌ها می توانند با

اروپا] متوسل شدن به قاچاقچیان در شرایطی که روش‌های قانونی ورود به اروپا وجود ندارد، تنها وسیله‌ی حمایت از بستگان و عزیزان در برابر سرکوب و اعدام است. در انگلستان، هر هفته چندین نفر به جرم «کمک به ورود غیرقانونی» به زندان می روند. این‌ها کسانی نیستند که برای سازمان دادن ورود غیرقانونی مبالغ هنگفتی دریافت می دارند. این افراد به ندرت گرفتار می شوند. این‌ها بستگان و دوستانی هستند که منتظر تلفنی از دور Dover باقی می ماند و بعد با اتومبیل به محل از پیش تعیین شده می روند تا مسافری را که در درون کامیون مخفی شده و به انگلیس رسیده، به خانه ببرند. نیروهای ویژه که مجهز به دوربین‌های اشعه‌ی قرمز و دیگر ابزارهای الکترونیک هستند،

این افراد را دستگیر می‌نمایند.

در ژوئیه ۱۹۹۶، دو مرد کرد که کمک کرده بودند تا برادرزاده‌هایشان از ترکیه خارج شده به طور غیرقانونی وارد انگلستان بشوند، به وسیله هیئت ژوری دادگاه تبرئه شدند. به اطلاع ژوری رسید که متهمان در واقع به خروج بستگان خود از ترکیه و ورود غیرقانونی‌شان به انگلستان کمک کرده بودند. در عین حال، متخصصین نیز بر جنگی که در ترکیه بر علیه کردها در جریان است، و از سوی دیگر در این باره که چگونه دولت انگلستان ورود قانونی را غیرممکن ساخته است، شهادت دادند. برای ورود قانونی، آن‌ها به روایت نیاز دارند و تا موقعی که از ترکیه خارج نشوند، روایت نمی‌توانند بگیرند. و اما بدون روایت هم آن‌ها برای خروج از ترکیه

حاضر می‌شود همه چیز، غیر از جانش را برای به دست آوردن این اسناد بدهد. روایت، بلیطی است به آزادی، و اجازه‌ی اقامت هم امکان می‌دهد که شخص از عمق زندگی غیرقانونی و اقتصاد غیررسمی در بیاید. برای مثال، کارمندان کنسولگری ایتالیا در لاگوس [نیجریه]، یک سیستم روایت‌قلابی داشتند که اسناد را بین دو تا چهار هزار دلار می‌فروختند.^(۲۰) در بازار سیاه، روایت مسافرت به انگلستان هم به قیمت سه هزار دلار به فروش می‌رسید و در فوریه ۱۹۹۷، کمیسون عالی بریتانیا در لاگوس برای یافتن منبع این روایت مورد بازرسی قرار گرفت.^(۲۱) در فرانسه، مهاجران در فرودگاه اورلی پاریس به مأموران پلیس برای ورود رشوه می‌پرداختند [رییس پلیس پاریس

اداره‌ی مهاجرت پاکستان و مصر با دریافت به اجازه داده بودند که مهاجران بدون پاسپورت به کشتی بشوند.^(۲۶)

به دست آوردن زنان و کودکان

بزه‌کاران و جنایت‌کاران زنان و کودکان را برای برآوردن تقاضایی که در بازارهای اروپا برای فاحش وجود دارد، به اروپا می‌آورند. آن‌گونه که الکس دوپول اسمیت در گاردین نوشت، اروپا امروز «با تحرك آزادانه‌ی کالاهای و دختران خصلت‌بندی می‌نویسد. فاحشگان تلفنی، عروس، اسکورت، رقاصه مهمان‌دار و زنجیرهای از دیگر مشاغل مخصوص زنان که اغلب سر از روسپیگری و فاحشگی علنی در می‌آورد».^(۲۷) زنان را از آفریقا، امریکای لاتین و



نمی‌توانند به هواپیما سوار شوند. به این ترتیب، وکلای مدافع مدعی شدند که متهمان جز آن‌چه که کرده‌اند، چاره‌ای نداشتند. آن‌ها باید بستگان خود را خارج می‌کردند ولی از طریق قانونی چنین کاری عملی نبود. تصمیم دادگاه نقطه‌ی عطفی است که باید به وسیله‌ی وکلای مخالف نژادپرستی در اروپا مورد مطالعه قرار بگیرد.

بازار سیاه اسناد

تجارت اسناد قلابی هم امکان فساد را در بین پلیس، مأموران اداره‌ی مهاجرت و کارمندان سفارت‌خانه‌ها بیشتر کرده است چون تنها این افرادند که می‌توانند اسناد مربوط به روایت و اجازه‌ی اقامت را تهیه نمایند. یک مسافر «غیرقانونی»

جزء کسانی است که در ۱۹۹۶ از کار برکنار شد. بازرسی ادامه دارد.^(۲۲)

در آلمان، یکی از مأموران عالی‌رتبه‌ی دادگاه در شهر کلن به جرم فروختن اجازه‌ی ورود به شهروندان یوگسلاو به قیمت سه هزار مارک برای هر مورد، محاکمه و محکوم شد.^(۲۳) یک مأمور اداره‌ی مهاجرت برلین و یک مترجم که به طور غیرقانونی در فاصله‌ی ۹۳-۱۹۹۲ به پنجاه‌وهفت متقاضی اجازه‌ی اقامت فروخته بودند، دستگیر شدند.^(۲۴) در ۱۹۹۶، کنسولگری بلژیک در فیلیپین از سوی پلیس مورد بازرسی قرار گرفت تا متشاء صدور روایت قلابی که به قاچاق پنج‌هزار فیلیپینی به وسیله‌ی سندی‌کاهای بزه‌کار منجر شد، روشن شود.^(۲۵) در مورد فاجعه‌ی کشتی ییوهن، مأموران

به‌طور روزافزونی از اروپای شرقی با وعده‌ی اجازه‌ی کار و مشاغل پردرآمد، مثل رقاصی و کار در رستوران، به غرب می‌آورند ولی به بردگی می‌فروشند. وقتی به اروپا می‌رسند، پاسپورت‌شان را ضبط می‌کنند و بعد برای پرداخت بدهی‌های متورم شده برای غذا، مسکن، و مسافرت زنان را مجبور می‌کنند که روزی دوازده ساعت به صورت یک فاحشه کار کنند. گاه به آنان مواد مخدر می‌دهند تا کارشان قابل تحمل شود. آن‌ها را زندانی می‌کنند، کتک می‌زنند، و مورد تجاوز قرار می‌دهند. یک بررسی که از سوی زنان پلیس در میلان صورت گرفت، واقیعات تلخ و تکان‌دهنده‌ای را درباره‌ی زنان آلبانیایی که از سوی هموطنان خویش به فاحشگی مجبور شدند، آشکار ساخت. سه زن جوان

را با پاهایشان از سقف آویزان کرده بودند چون برای به دست آوردن سیصد هزار لیر در روز به قدر کافی فعالیت نمی‌کردند. یک زن جوان دیگر را واداشتند که کورتاژ کند و بلافاصله او را برای جلب مشتری به خیابان فرستادند.^(۲۸) اقدامات قانونی بر علیه هفت فواد در دسامبر ۱۹۹۵ در فرانسه، یک شبکه‌ی مخفی را افشاء کرد و نشان داد که چگونه با جعل اسناد زنان را از اوکراین برای فاحشگی به فرانسه می‌آوردند. مشاغل وعده داده شده، کار در رستوران و هتل بود ولی آن‌ها را به فاحشگی وا می‌داشتند و با آن‌ها مثل حیوان رفتار می‌کردند.^(۲۹) ناگفته روشن است که زنان برای فرار از این بردگی به بازار سیاه اسناد کشیده می‌شوند. زنان نیجریه‌ای در ایتالیا برای به دست آوردن این اسناد، سه میلیون لیر



می‌پردازند تا وضع‌شان منظم شود.^(۳۰) کمیسر جامعه‌ی اروپا در امور مهاجرت، آنیتا گرادین در یک کنفرانس مربوط به تجارت زنان در ۱۹۹۶ گفت که پانصد هزار زن که به وسیله‌ی تاجران بین‌المللی و سندیکاهای تبه‌کاری به اروپا قاچاق شده‌اند، به طور غیرقانونی زندگی می‌کنند.^(۳۱) بنیاد مخالف تجارت زنان عقیده دارد که هلند به صورت حلقه‌ی ترانزیت مهمی در این تجارت پردرآمد درآمده و بیش از یک چهارم از سی‌هزار زنی که در هلند به فحشا اشتغال دارند به صورت برده زندگی می‌کنند. هفتاد درصد از چهار هزار روسی در وین، از خارج عمدتاً از اروپای شرقی، آمده‌اند.^(۳۲) بر اساس بررسی PARSEC - یک موسسه‌ی تحقیقاتی دانشگاه‌های رم و

فلورانس - زنان آلبانیایی، نیجریه‌ای، کلمبیایی و پرویی قربانیان اصلی تجارت زنان برای بهره‌کشی جنسی در ایتالیا هستند. اغلب زنان مهاجر در زمان ورود سالم‌اند ولی سریعاً به بیماری‌های مبتلا می‌شوند، چون مردان ایتالیایی حاضرند حتی تا سه برابر معمول برای روابط جنسی بدون استفاده از condom پول بپردازند.^(۳۳)

این زنان هم‌چنین از سوی مشتریان خویش با نژادپرستی خشن هم‌روبرو می‌شوند. در ۱۹۹۵، در تورین ایتالیا، زنان نیجریه‌ای در پی آمد قتل شش زن فاحشه و ناپدید شدن دو زن دیگر در طول دو ماه، به تظاهرات خارق‌العاده دست زده برای سه روز اعتصاب کردند. یکی از زنان گفت: «مردان ایتالیایی به دنبال روابط جنسی فارغ از پیچیدگی هستند.»

**• شیوه‌ای که تجارت انسان در مطبوعات گزارش می‌شود
وجه بین‌المللی آن را همیشه مخدوش می‌کند و به علاوه، از انتقاد از قوانین اروپایی که ضمن مخلوط کردن باندهای «نژادی» با قربانیان «نژادی» را به صورت قربانی درمی‌آورد نیز شانه خالی می‌کند. این نوع کلیشه‌سازی‌ها اهداف سیاسی ویژه‌ای دارند.**

ولی «نژادپرستی خزنده» به این معنی است که آن‌ها «نمی‌توانند با این واقعیت روبرو شوند که این کار را با یک سیاه (nigger) انجام داده‌اند، چون از ما به شدت متنفرند».^(۳۴) فاحشگی در خیابان تنها روش بهره‌کشی و بی‌پایه کردن انسان نیست. در سوئد، یک بررسی رسمی در ۱۹۹۶ برای وارسیدن سوء استفاده‌ی مردان سوئدی از زنان آغاز شد. این مردان، زنان را برای همسری وارد سوئد کرده بعد، رهایشان می‌کنند و این زنان با خطر اخراج روبرو می‌شوند.^(۳۵) به گفته‌ی دوناهویز که در دانشگاه برادفورد درس می‌دهد، از اینترنت برای عرضه‌ی زنان به منظورهای جنسی به شیوه‌های تازه‌ای استفاده می‌شود. برای مثال، در گاتالوگِ عروس سفارشی، زنان اهل فیلیپین، کستاریکا، اروپای شرقی و امریکای جنوبی مشتری بیشتری دارند.^(۳۶) یک وجه نادیده گرفته شده‌ی این تجارت

وحشیانه، شامل کودکان می‌شود. در ایتالیا، بر اساس گزارش ایل مانیفست، کودکان جوان، حتا نوزادان، برای فاحشگی، گدایی و بزه‌کاری خرید و فروش می‌شوند.

کودکان آلبانیایی به ویژه در مخاطره هستند. بررسی انجام شده از سوی یک واحد گمشی پلیس میلان از بهره‌کشی هراس‌انگیز جوانان یرده برداشت. بیست‌ودو جوان آلبانیایی که گزارش کردند که اهل لواط به آن‌ها پیشنهاد پول کرده‌اند در حمایت پلیس قرار گرفتند.^(۳۷) هم‌چنین، پلیس ژم یک باند ایتالیایی - سومالیایی را کشف کرد که کودکان سومالیایی را برای توزیع در اروپا و شمال افریقا در صندوق عقب اتومبیل یا در جعبه قاچاق می‌کرد. اگرچه درباره‌ی بعضی از کودکان در کاتالوگ‌ها برای فرزندخواندگی تبلیغ می‌شد (در مواردی به قیمت پنجاه میلیون لیر)، ولی کودکان دیگر کارشان به فحشا در مجامع اهل لواط می‌گشت.^(۳۸) در عین حال در اطریش روزنامه‌نگارانی که در یک باند بهره‌کشی جنسی از کودکان نفوذ کرده بودند، متوجه شدند که درباره‌ی هفتاد دختر بیجعی اسلواک در یک مجله‌ی جنسی تبلیغ می‌شود. اگرچه جوان‌ترین کودک عرضه شده برای بهره‌کشی جنسی هفت‌ساله بود، یک دختر چهار ساله برای فیلم‌برداری جنسی عرضه شده بود.^(۳۹) در ۱۹۹۵، در هلند چهارصد پناهجوی کمتر از هیجده سال ناپدید شدند.^(۴۰) در منطقه‌ی ایندهوون پلیس به واریسی چگونگی ناپدید شدن صدوپنجاه کودک از یک مرکز در طول هیجده ماه پرداخت تا معلوم شود که آیا این کودکان قربانیان سازمان‌های بزه‌کار شده‌اند یا خیر.^(۴۱) پلیس معتقد است که یک سوم کودکانی که از مرکز پناهجویان والتین Valentin در نانزبیت Nunspeet ناپدید شده‌اند، به فحشا مشغول‌اند.^(۴۲)

مباحث نژادی

شیوه‌ای که تجارت انسان در مطبوعات گزارش می‌شود، وجه بین‌المللی آن را همیشه مخدوش می‌کند و به علاوه، از انتقاد از قوانین اروپایی که ضمن مخلوط کردن باندهای «نژادی» با قربانیان «نژادی»، کل این جوامع نژادی را به صورت قربانی درمی‌آورد نیز شانه خالی می‌کند. این نوع کلیشه‌سازی‌ها اهداف سیاسی ویژه‌ای دارند. وقتی صد هزار آلبانیایی کوشیدند تا با قایق‌های کهنه‌ی ماهیگیری از دریای آدریاتیک گذشته به ایتالیا بگریزند، مطبوعات ایتالیا با تمرکز روی فعالیت گروه‌های بزه‌کار آلبانیایی نه فقط به حالت فوق‌العاده‌ی دولت مشروعیت دادند بل که از تصمیم دولت در نپذیرفتن پناهجویان هم حمایت کردند. یا حالا که پرتغال در تدارک بازگرداندن مستعمره‌ی ماکائو به چین در ۱۹۹۹ است، مطبوعات روی

- 1995).
- 16- Il Manifesto (26, 27 April 1996).
- 17- Guardian (18, 20, 31 March 1997).
- 18- Evening Standard (11, 12 March 1997).
- 19- R v Akhsan and others, Canterbury Crown Court, April 1996.
- 20- Il Manifesto (25 February 1996), Nigerian News (27 November 1996).
- 21- International Herald Tribune (7 February 1997).
- 22- Liberation (19 March 1996).
- 23- Sudddeutsche Zeitung (9 May 1996).
- 24- Sudddeutsche Zeitung (22 November 1995) as quoted in Migration News Sheet (December 1995).
- 25- International Herald Tribune (7 November 1996).
- 26- Ibid.
- 27- Alex Duval Smith, "Foreign bodies", Guardian (13 June 1996).
- 28- Il Manifesto (20 July 1996).
- 29- Le Monde (28 December 1995), as quoted in Migration News Sheet (January 1996).
- 30- Il Manifesto (25 February 1996), Nigerian News (27 November 1995).
- 31- Reported in Migration News Sheet (July 1996).
- 32- "Foreign bodies", op.cit.
- 33- Il Manifesto (23 July 1996).
- 34- Il Manifesto (6 May 1996).
- 35- Immigration Board Bulletin (22 February 1996), as quoted in Migration News Sheet (March 1995).
- 36- Independent (3 July 1996).
- 37- Il Manifesto (15 August 1996).
- 38- Independent (9 September 1996).
- 39- Independent (2 September 1996).
- 40- Migration News Sheet (October 1996).
- 41- Migration News Sheet (February 1996).
- 42- De Volkskrant (10 January 1997).
- 43- Guardian (17 April 1996).
- 44- Guardian (15 May 1996), Independent (14 May 1996), European (16-22 May 1996), BARIN News Update (May-June 1996). ■

پلیس بر علیه قاچاقچی‌ها این مشکل را رفع نمی‌کند. مادام که جهانی شدن بازارگرایی، استمرار معاش تولیدکنندگان جهان سوم را مختل می‌کند و فروش اسلحه‌ی غربی موجب تشدید سرکوب می‌شود، مردم می‌کوشند فرار کنند. وقتی شیوه‌های قانونی فرار مسدود باشد، سیاست‌های حمایت گرایانه‌ی بازار کار، و یا بستن دروازه‌ها به روی پناهجویان، آن‌ها را مجبور می‌کند تا از راه‌های غیرقانونی و خطرناک وارد شوند.

پانوشته‌ها:

- 1- "Multilateral co-operation to combat trafficking in migrants" (Vienna, ICMPD, 1994).
- 2- Frankfurter Rundschau and Le Nouveau Quotidien (12 August 1996), as quoted in Migration News Sheet (September 1996).
- 3- APA (5, 19 September 1996), Die Presse, Der Stand, Wiener Zeit (20 September 1996), as quoted in Migration News Sheet (October 1996).
- 4- El Pais (18 September 1996), as quoted in Migration News Sheet (October 1996).
- 5- Hufvudstadsbladet (12 September 1996), Hels. Sanomat (24, 25 September 1996), Migration News Sheet (October 1996).
- 6- Bulletin (31 October 1996), Independent (18 December 1996), International Herald Tribune (7 November 1996).
- 7- Il Manifesto (3 November 1996).
- 8- Ibid.
- 9- این‌که کل داستان قاچاق و مخاطرات سفر پناهجویان به وسیله‌ی کشتی ییوهن آفتابی شد مدیون پژوهش‌های روزنامه‌نگاران جان هوپر و دیوید روز در نشریه‌ی آبزرور است. (5، 12 و 23 ژانویه 1997 و 2 مارچ 1977)
- 10- Ibid.
- 11- Ibid.
- 12- El Mundo (8 July 1995), El Pais (10 July 1995).
- 13- See "Death by policy" in CARF (No. 36, February/March 1997).
- 14- "Bundesdeutsche Flüchtlingspolitik und ihre todlischen Folgen". Antirassistische Initiative., Yorckstr. 59, 10965, Berlin; BARIN News Update (January 1996).
- 15- BARIN News Update (July-August

گروه‌های سه‌گانه‌ی بزه‌کاران که در قاچاق انسان و تجارت اسناد قلابی دست دارند، تمرکز کرده‌اند. به نقل از پلیس، مطبوعات مدعی‌اند که گروه‌های بزه‌کار آماده‌اند تا تمام منطقه‌ی پورتو، اویراس، و لیسبون را در کنترل بگیرند. [پس از الحاق ماکائو به چین، صدوپنجاه هزار ماکائویی، یعنی $\frac{1}{3}$ جمعیت، حق دارند در پرتغال یا در دیگر کشورهای اروپایی زندگی کنند.] (۲۳)

نمونه‌ی دیگر، شیوه‌ی برخورد سیاستمداران و مطبوعات با ویتنامی‌ها در آلمان است. از زمان انهدام دیوار برلین، ویتنامی‌ها که در رشته‌های پرخطر در آلمان شرقی کار می‌کردند، بدون پول، گیر افتاده‌اند. آلمان متحد به کار آنان نیازی ندارد. اجازه‌ی اقامت آن‌ها در ۱۹۹۴ باطل اعلام شد و در نتیجه به سرعت به صورت ساکنان غیرقانونی درآمدند. در برابر فشارهایی که برای اخراج آن‌ها وجود دارد، ویتنامی‌ها مجبور شده‌اند که در بازارهای سیاه، سیگار قاچاق بفرروشند.

شیوه‌ی زندگی آن‌ها مرگبار است. فروشندگان درآمد زیادی ندارند و به علاوه ناچارند برای محل فروش کالا خود در بیرون از سوپرمارکت‌ها و ایستگاه‌های قطار مبالغی بپردازند. فشار دایمی از سوی پلیس، هزینه‌ی محل‌های امن را بسیار بیشتر کرده است و حتا در مواردی تا سی‌هزار مارک باید پرداخت شود. در نتیجه، بر سر کنترل مناطق، شاهد درگیری در بین باندهای رقیب هستیم. در طول ۱۹۹۲ و ۱۹۹۶، چهل‌ویک ویتنامی در برلین به قتل رسیدند. این درگیری‌ها و قتل‌ها نه برای باز وارسیدن برخورد جامعه با ویتنامی‌ها بل‌که برای دور جدیدی از نژادپرستی سیاسی و خلقی مورد استفاده قرار می‌گیرد. سیاستمداران از این قتل‌ها برای مشروعیت بخشیدن به اخراج یک سره‌ی ویتنامی‌ها بهره می‌جویند و مطبوعات نیز درباره‌ی باندهای مخفی داستان‌های خوفناک سر هم می‌کنند. هیچ‌کس واریسی نمی‌کند که چگونه سیاست‌های نژادپرستانه، جامعه‌ی ویتنامی‌ها را به بزه‌کاری و آ می‌دارد و یا کسی به ویتنامی فقیری که در خیابان فروشندگی می‌کند به چشم قربانی فاقد قدرت نگاه نمی‌کند. با اهداف سیاسی نیز جور در نمی‌آید که وجه بین‌المللی بزه‌کاری را بپذیرند و این همه بر وجه «نژادی» تأکید نوزند - اگرچه حتا در دنیای بی‌رحم تبه‌کاری بین‌المللی هم نوعی سلسله مراتب نژادی وجود دارد. باندهای ویتنامی برلین که از هموطنان خویش بهره‌کشی می‌کنند، پایبندترین رده‌ی مافیای هستند که در آن فروش سیگار قاچاق به واقع به وسیله‌ی روس‌ها، اهالی بالتیک، آلمانی‌ها و سوئیس‌ها کنترل می‌شود. (۲۴)

و اما عکس‌العمل دولت‌ها به قاچاق انسان، بی‌تفاوتی کامل به تراژدی انسانی، مرگ آن‌ها، و علت آن است. همکاری بیشتر در میان نیروهای